

## بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان های کشور سال ۱۳۸۵

دکتر حسین محمودیان<sup>۱</sup>  
حسام خدامرادی<sup>۲</sup>

۸۹/۳/۱۲

۸۹/۵/۱۱

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

### چکیده

صنعتی شدن و شهرنشینی تغییرات ساختاری به دنبال خود آورد و نهاد خانواده نیز از این تغییرات تأثیر پذیرفت چرا که این دو عوامل نقش مهمی در کاهش باروری و افزایش امید به زندگی داشت و در نتیجه زمینه برای تحصیلات و مشارکت زنان فراهم شد، سن ازدواج و فرزندآوری بالا رفت و به دنبال آن فردگرایی، افزایش توقعات و انتظارات از زندگی زناشویی و افزایش درآمد زنان، تأثیر مهمی در افزایش طلاق داشته است. با توجه به اینکه طلاق در دهه های اخیر در کشورهای صنعتی و بیشتر کشورهای در حال توسعه روندی صعودی به خود گرفته است و از آنجایی که ایران کشوری در حال توسعه است و نهاد خانواده تحت تأثیر روند مدرنیزاسیون دچار تغییراتی شده است. سؤال اصلی این است: آیا بین توسعه یافتگی و طلاق در ایران رابطه ای مستقیم وجود دارد؟

روش تحقیق، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده های سرشماری مرکز آمار ایران و سالنامه آماری ثبت احوال و اطلاعات وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۵ بوده است. کل شهرستان های کشور در سال ۱۳۸۵، ۳۳۱ شهرستان بوده که از این تعداد ۱۰۱ شهرستان به دلیل نداشتن آمار طلاق حذف شده است و در مجموع ۲۳۰ شهرستان به عنوان جامعه آماری و نمونه انتخاب شده است. شاخص توسعه توسط نرم افزار Taxonomy (تاکسونومی عددی) ساخته شده است. سپس برای تحلیل رابطه این متغیرها با طلاق از نرم افزار Spss استفاده شده است.

با توجه به مقدار ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $p < 0/01$  و  $R = 0/421$ )، رابطه معنی دار و مستقیمی بین توسعه و طلاق وجود دارد. پس می توان با توجه به جهت ضریب همبستگی ادعا نمود که با افزایش میزان

۱- دانشیار گروه جمعیت شناسی دانشگاه تهران

## Archive of SID

توسعه یافتگی طلاق نیز افزایش پیدا می کند. به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر طلاق از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است که از مجموع هفت متغیر مستقل (توسعه، قومیت (فارس، ترک، کرد، لر و سایر)، بعد خانوار، باروری، پیش‌رسی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله، اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان) وارد شده در معادله رگرسیونی فقط سه متغیر از متغیرهای تحقیق یعنی توسعه، قومیت (کرد) و باروری رابطه معنی داری با متغیر وابسته داشته اند و این سه متغیر در مجموع حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند. در نهایت متغیرهای توسعه، قومیت و باروری اثر مستقیمی روی طلاق داشته اند سهم متغیر توسعه از بقیه بیشتر بوده است. متغیرهای تحصیلات عالی زنان و اشتغال زنان نیز روی توسعه تأثیر گذار بوده اند و اثر این دو روی طلاق غیرمستقیم بوده است.

واژه های کلیدی:

طلاق، توسعه، اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان، باروری، بعد خانوار، پیش‌رسی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله،

قومیت

## بیان مسئله

یکی از مسائل اجتماعی قابل بحث در جامعه ما و اکثر جوامع، مسئله ستیز خانوادگی و طلاق می باشد که آمار آن در جامعه رو به افزایش است. پیشرفت روزافزون تکنولوژی، صنعت و شهرنشینی باعث ازدیاد مسائل و مشکلات بسیاری چون انحرافات، بزهکاری ها، جرمها و خودکشی ها و غیره شده است که طلاق هم یکی از آن مسائلی است که از تحولات ساختاری جامعه تأثیر می پذیرد.

با گذار جامعه از سنتی به صنعتی، نقش هایی که به صورت محول به زن و مرد در خانواده داده می شد دچار تغییرات چشمگیری شده است. دیگر زنان تنها از طریق همسران خویش با جامعه در ارتباط نیستند بلکه خود با ایفای نقش های جدیدی روبه رو هستند که سهم ایشان را در زندگی زناشویی به طرز شگفت آوری تغییر داده است. همچنین رشد فردیت در جوامع صنعتی، به فرد این امکان را می دهد که به دنبال خواسته ها، امیال و آرزوهای خویش، ارزشهای کهن را زیر سؤال برده و به آنها پشت پا زده و خود را محور جهان مادی تصور کند. بنابراین رشد این گونه فردیت و نقش های زنان، تحرک های اجتماعی و شغلی و مهاجرت از روستا به شهر و سستی روابط اجتماعی در شهرها در قرن حاضر، نهاد خانواده را نیز متأثر ساخته و نقش ها و ارزش های حاکم بر روابط همسران، مادران پدران و فرزندان را به صورتی کلی دگرگون ساخته است. بنابراین با تغییرات عدیده در نهاد خانواده، هر چند بطیء و کم سرعت، شاهد تنش ها و تضاد هایی در میان افراد تشکیل دهنده این نهاد هستیم که یکی از این حالات وجود طلاق در سطح بالا در جوامع امروزی است. طلاق به عنوان جوابی است به تنش ها و تضاد هایی که در میان همسران رخ میدهد و امکان نگهداری این نهاد را از بین می برد.

از ابتدای قرن بیستم، الگوی سنتی خانواده در ایران با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، تدریجاً روبه تغییر نهاد. در این فاصله زمانی، برخی وقایع و جریان های اجتماعی عمده مانند فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی، اصلاحات اداری و قانونی، وقوع انقلاب و جنگ و فرایند دگرگونی ارزشها بر بافت سنتی خانواده تأثیرات مهمی گذاشته است (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۵). تغییرات ساختاری مثل شهرنشینی، صنعتی شدن و مکانیزه شدن کشاورزی باعث مهاجرت نیروی کار به شهرها، افزایش سن ازدواج، افزایش دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و افزایش تحصیلات زنان شده و از طرفی

## Archive of SID

نهاد خانواده در ایران با کاهش پدرسالاری و کاهش خانواده گسترده همراه بوده است (عباسی شوازی و مک دونالد، ۲۰۰۷: ۱۹۷-۱۹۵). بی تردید از تأثیر این عوامل در افزایش آمار طلاق نمی توان چشم پوشی کرد. چرا که این تغییرات ساختاری بستر و شرایط اجتماعی را برای تغییر کارکردهای خانواده فراهم می کنند خانواده ای که دیگر پدرسالار نیست و به سمت برابری زن و شوهر و فرزندان در حرکت است.

نرخ رشد طلاق طی سال های اخیر سیر صعودی داشته است، چنان که بر اساس آمارهای منتشره از سوی سازمان های مربوطه، در ایران در سال ۱۳۷۵، ۳۸ هزار و ۸۱۷ نفر از یکدیگر جدا شده اند (۱/۵ در هزار). این در حالی است که در سال ۱۳۸۰ از جمعیت متأهل کشور ۶۰ هزار و ۵۵۹ نفر طلاق گرفته اند (۲/۳ در هزار). و این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۹۸۷۵۶ فقره افزایش یافته است (۳/۱ در هزار). به عبارت دیگر، طی سال های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ روزانه به ترتیب به طور میانگین تعداد ۱۰۶، ۱۶۵ و ۲۷۰ فقره طلاق در کشور به ثبت رسیده است (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۳). افزایش نرخ طلاق بی تردید در نتیجه تأثیر این شرایط بر جامعه بوده است و طبیعی است با این شرایطی که در جامعه فراهم شده است نرخ طلاق هم روز به روز در حال افزایش باشد.

صنعتی شدن و شهرنشینی تغییرات ساختاری به دنبال خود آورد و نهاد خانواده نیز از این تغییرات تأثیر پذیرفت چرا که تحت تأثیر همین عوامل بود که باروری و مرگ و میر پایین آمد و امید به زندگی بالا رفت و در نتیجه زمینه برای تحصیلات و مشارکت زنان فراهم شد سن ازدواج و فرزندآوری بالا رفت و به دنبال آن فردگرایی، افزایش توقعات و انتظارات از زندگی زناشویی و افزایش درآمد زنان باعث افزایش طلاق شده است. با توجه به اینکه طلاق در دهه های اخیر در کشورهای صنعتی و بیشتر کشورهای در حال توسعه روندی صعودی به خود گرفته است و از آنجائی که ایران کشوری در حال توسعه است و تحت تأثیر روند مدرنیزاسیون دچار تغییراتی شده است. آنوقت سؤال اصلی این است: آیا بین توسعه یافتگی و طلاق در ایران رابطه ای مستقیم وجود دارد؟

## پیشینه ی تحقیق

ساروخانی در تحقیقی درباره طلاق «پژوهشی درشناخت واقعیت و عوامل آن» در سال ۱۳۷۲ به این نتیجه می رسد که با ورود به تحصیلات دانشگاهی و استمرار در آموزش عالی

و ارتقاء در سطوح گوناگون آن طلاق رو به افزایش می رود. به طوری که بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در بین دکتراها به چشم می خورد، و کمترین میزان طلاق در بین دیپلمه ها دیده می شود (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۶۵).

گلشن در تحقیق خود با عنوان بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیتی موثر بر آن در سال های ۷۰-۶۴ در شهرستان خوی، عواملی چون؛ شهرنشینی، صنعتی شدن، اشتغال زن، وجود بیکاری در جامعه را به عنوان شاخص هایی که از ساخت اجتماعی نشأت می گیرد، مورد بررسی قرار داده و مشخص گردید هر یک از عوامل فوق در وقوع طلاق موثر بوده اند (گلشن، ۱۳۷۲: ۱۵۷-۱۵۶).

نتایج گزارش کلی «طلاق در ایران بخش روان شناسی اجتماعی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» برخی از موارد مرتبط با توسعه را داشت که عبارت بوده از:

- میزان طلاق در مناطق شهری بیش از سه برابر آن در مناطق روستایی است.
  - در نواحی کم درآمد، ازدواج در سنین پایین منجر به طلاق زودرس می شود.
  - در نواحی مرفه، سن ازدواج و طلاق بالاتر است (ناصری به نقل از حسینی ۱۳۸۶: ۱۹).
- پایدارفر و آقاجانیان در سال ۱۳۶۲ پژوهشی تحت عنوان «شکل اجتماعی طلاق» انجام داده اند که برخی از موارد مرتبط با توسعه آن در زیر آمده است:
- میزان طلاق در شهر بیش از روستاست.

- توسعه صنعتی و نظام اقتصادی و شهرنشینی با افزایش طلاق رابطه مستقیم دارد.
- افزایش طلاق با سطح تحصیلات و ازدواج در سنین پایین رابطه مستقیم دارد.
- عدم اشتغال مرد خانواده و یا نداشتن شغل، میزان طلاق را بالا می برد (پایدارفر و آقاجانیان به نقل از حسینی: ۱۳۸۶، ۱۹).

پالمر<sup>۱</sup> در پژوهشی با عنوان «دلایل شکست ازدواج در جنوب غربی اونتاریو در کانادا» به دلایل و عوامل متعددی برخورد نموده است که از نظر وی در بوجود آوردن واقعه طلاق اثر قطعی دارند. این عوامل عبارتند از:

### • ازدواج در سنین پایین

طبق بررسی پالمر از مجموع کسانی که در زمان آماری مورد بررسی وی ازدواج کرده

## Archive of SID

بودند ۵۰ درصد پایین تر از ۲۱ سال داشته و ۵۰ درصد بالای ۲۱ سال داشته اند. در حالیکه در واقعه طلاق از افراد مطلق و مطلقه ۷۰ درصد کمتر از ۲۱ سال و فقط ۳۰ درصد بالای ۲۱ سال قرار داشتند.

• فعالیت اقتصادی زن از نظر پالمر عامل دیگری است که میزان طلاق را افزایش می دهد. در جامعه مورد بررسی وی از مجموع زنان ازدواج کرده ۲۲ درصد فعال و ۷۸ درصد غیر فعال بوده اند، در حالیکه از مجموع زنان مطلقه همان زمان آماری ۵۰ درصد فعال و ۵۰ درصد غیر فعال بودند.

• تحقیقات پالمر تأثیر تفاوت سطح تحصیلی زوجین را در امر طلاق نشان داده است. طبق بررسی های وی از زنانیکه در زمان مورد بررسی ازدواج کرده بودند ۲۹ درصد تحصیلاتشان برتر از شوهران و ۴۱ درصد مساوی با شوهران و ۳۰ درصد تحصیلاتشان کمتر از شوهرانشان بوده است. در حالیکه در واقعه طلاق زنانیکه تحصیلات برتری داشتند ۳۹ درصد و آنهایی که تحصیلاتشان برابر بود ۳۲ درصد و کسانی که تحصیلات کمتری داشتند ۲۹ درصد جامعه مورد بررسی را تشکیل می دادند و در واقع ازدواجهایی که زن دارای تحصیلات بالاتری از مرد باشد با احتمال بیشتری با شکست مواجه می شود (پالمر ۱۹۷۷، به نقل از گلشن، ۱۳۷۲: ۱۸).

به گفته سگالن<sup>۱</sup> بین نرخ طلاق و فعالیت شغلی زن همبستگی وجود دارد. نسبت طلاق در میان زنان شاغل و حرفه ای تقریباً دو برابر بقیه زنان می شود (سگالن، ۱۳۷۰: ۱۸۰).

کانزل<sup>۲</sup> در تحقیقی با عنوان «ارتباط بین چرخه ی خانواده و طلاق» که بر پایه تحلیل داده های حاصل از مطالعه کشورهای اروپایی بود و در این مطالعه درجه نوسازی با متغیرهایی نظیر سن ازدواج، امید به زندگی، باروری و نیروی کار زنان سنجیده شده بود، به این نتیجه می رسد که با افزایش متغیرهای امید به زندگی، سن ازدواج و اشتغال زنان و کاهش میزان باروری، میزان طلاق بالا رفته است (کانزل، ۱۹۷۴: ۳۸۶).

ترنت<sup>۳</sup> و ساوز<sup>۴</sup> در تحقیقی با عنوان «تعیین کننده های ساختاری میزان طلاق» که در شصت و شش کشور جهان صورت گرفته بود، کشورها را براساس درجه نوسازی به ۶ دسته و بر اساس میزان طلاق به ۳ دسته (بالا، متوسط، پایین) تقسیم کردند. رابطه ای مستقیم بین دو

1- Segalen

2- Kuznel

3- Trent

4- South

متغیر در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی و آمریکای لاتین و آسیا کاملاً مشهود است. در پنج کشور عربی: مصر، لیبی، تونس، عراق و اردن با وجود درجه پایین توسعه یافتگی میزان طلاق بالایی دارند و در انتهای جدول کشور ایتالیا را می بینید که با وجود توسعه یافتگی (درجه ۵) ولی میزان طلاق پایینی دارد و دلایل طلاق در این دسته از کشورها نیاز به مطالعات فرهنگی و ساختاری بیشتری دارد (ترنت و ساوز، ۱۹۸۹: ۳۹۹-۳۹۸).

هیرشمن<sup>۱</sup> و تیروچینا<sup>۲</sup> مطالعه ای با عنوان «تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر روی طلاق در فرایند نوسازی در آسیای جنوب شرقی طی سال های ۱۹۶۰-۱۹۴۰» در سه کشور آسیای جنوب شرقی؛ مالزی، اندونزی و تایلند انجام دادند. این تحقیق بر اساس تحلیل داده های حاصل از پیمایش جهانی باروری (WFS) در دهه ۱۹۷۰ انجام گرفت و براساس آن در هر سه کشور یک نمونه معرف از زنان ازدواج کرده ۱۵-۴۹ ساله برای مصاحبه انتخاب شدند، حجم نمونه در مالزی ۶۷۱۸، در اندونزی ۵۰۲۸ و در تایلند ۲۹۲۸ نفر بودند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که فرایند نوسازی در فاصله سال های ۱۹۶۰-۱۹۴۰ در این سه کشور بر خلاف کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی منجر به افزایش طلاق نشده است و خانواده سنتی انسجام خود را حفظ کرده است. عواملی چون سیستم خویشاوندی پدرسالاری و پدرتباری، تنوع قومی و مذهبی، نفوذ آیین اسلام و ارتدوکس در مالزی و اندونزی، وجود تعدد زوجات در بین مسلمانان، پایین بودن سن ازدواج در مالزی و اندونزی و قبح اجتماعی طلاق در آیین بودایی در کشور تایلند، در پایین نگهداشتن میزان طلاق در فاصله این سال ها موثر بوده است (هیرشمن و تیروچینا، ۲۰۰۳: ۲۴۵-۲۴۰).

در ژاپن تحقیقی با عنوان نوسازی و طلاق توسط ماکای<sup>۳</sup> به روش تحلیل ثانویه داده های وزارت بهداشت، رفاه اجتماعی و مرکز آمار ژاپن انجام شده است و داده های این مطالعه مربوط به سال های ۲۰۰۳-۱۹۰۰ و یافته های آن حاکی از آن است که در دوره میجی و قبل از جنگ جهانی دوم کشور ژاپن به وسیله ایدئولوژی خانواده گرایی کنترل می شد ارزشهای سنتی جامعه قبل مدرن، میزان طلاق را پایین نگه داشته بود. بعد از جنگ جهانی دوم، در نتیجه رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی، شکل خانواده و سبک ازدواج تغییر کرد. توسعه اقتصادی تغییرات اساسی فرهنگی به دنبال آورد و ژاپنی ها به طور تدریجی گرایش فرد

1- Hirschman

2- Teerawichitchainan

3- Mukai

## Archive of SID

گرایی پیدا کردند و میزان طلاق به طور تدریجی افزایش یافت. از ۱۹۸۰ به بعد این جریان فرد گرایی در ژاپن تقویت شده و گرایش به خانواده و گروه کاهش پیدا کرده و طلاق به یک هنجار اجتماعی با قبح کمتری تبدیل شده است. و استقلال زوجین در ژاپن بیشتر شده است بر این اساس میزان طلاق طی سال های ۲۰۰۲-۱۹۵۰ به این شرح افزایش یافته است: ۰/۵: ۱۹۵۰، ۱/۰: ۱۹۸۰، ۱/۳: ۱۹۸۹، ۱/۵: ۱۹۹۵ و سال ۲۰۰۲ به ۲/۳ در هزار نفر از جمعیت رسیده است (ماکای، ۲۰۰۴: ۷۸-۷۶).

لینگستاد<sup>۱</sup> تحقیقی با عنوان «آیا بافت اجتماعی بر میزان طلاق تأثیر می گذارد؟» انجام داده است. این مطالعه با هدف بررسی فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی تأثیر گذار بر طلاق و به صورت طولی انجام گرفته است و از داده های ثبتی بیست نسل نروژی که ازدواج بار اول شان در فاصله سال های ۲۰۰۰-۱۹۸۰ بوده، استفاده شده است. نتایج بیانگر آن است:

- عدم توازن نسبت جنسی در بازار ازدواج، میزان طلاق را پایین می آورد.
- افزایش تراکم جمعیت، میزان طلاق را پایین می آورد.
- افزایش تحصیلات زوجین منجر به افزایش میزان طلاق می شود.
- با افزایش نرخ بیکاری مردان طلاق بالا می رود.
- به ازای هر یک واحد افزایش در آمد ۱۰ درصد به میزان طلاق افزوده می شود (لینگستاد، ۲۰۰۶: ۱۵-۵).

کونو<sup>۲</sup> هم در تحقیقی با عنوان «طلاق و سرنوشت خانواده در دوره مدرن مصر» تأثیر نوسازی را بر جامعه مصر اینگونه توضیح می دهد: در مصر از یک طرف به دنبال تلاش جنبش های زنان و اصلاح طلبان مرد از ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به بعد در انتقاد از نابرابری جنسی و آموزشی، جداسازی جنسیتی و چند زنی و تلاش برای بالا بردن سن ازدواج، اجبار به پرداختن حق مادری توسط مردان در صورت طلاق و از طرف دیگر انقلاب در تغییر ارزشهای اجتماعی در اروپا و جوامع غربی و اشاعه آن به کشورهای دیگر از جمله مصر و فرایند شهرنشینی و صنعتی شدن مصر، زمینه را برای ظهور تغییراتی فراهم نمود. از جمله این تغییرات؛ تصویب افزایش سن ازدواج؛ ۱۶ سال برای زنان و ۱۸ سال برای مردان می باشد و کاهش عمومیت ازدواج تا سن ۳۰ سالگی بود که در فاصله دهه ۵۰-۱۹۴۰ عمومیت ازدواج

1- Lyngstad

2- Cuno



تا ۳۰ سالگی، ۵۳ درصد بود و در سال ۱۹۸۶ این میزان به ۳۶ درصد کاهش یافت. یکی دیگر از تغییرات، قانونی بود که در ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی توسط پارلمان مصر تصویب شد که حق طلاق را به زنان بدون توافق شوهر می داد، به دنبال این تغییرات درصد طلاق به ازدواج طی سال های ۱۹۹۶-۱۹۶۰ به شرح ذیل افزایش یافته است: ۴/۹: ۱۹۶۰، ۶/۶: ۱۹۷۶، ۸/۸: ۱۹۸۶ و ۱۱/۳ درصد در سال ۱۹۹۶ (کونو، ۲۰۰۸: ۲۱۰-۲۰۲).

## مباحث نظری

طلاق یکی از مسائل اجتماعی است که از ساختار جامعه متأثر است. منشاء اصلی تغییر و تحول در نظام اجتماعی، یعنی شهرنشینی و صنعتی شدن باعث افزایش تسهیلات زندگی، ارتقا سواد و آموزش، بهبود امکانات زندگی، کاهش مرگ و میر اطفال، افزایش طول عمر و ... شده و همزمان با آن تغییر ذهنی و ایدئولوژیکی، نهاد خانواده را نیز مانند سایر نهادها تحت تأثیر قرار داده است. در کل در اثر این تحولات، ارزش ها و هنجارهای جامعه دستخوش تغییر می شود و این پشتوانه ای برای تغییر رفتار آدم ها می شود. نگرش به طلاق و ازدواج، قبح طلاق در وجدان جمعی جامعه دچار تغییر شده است و کنترل و فشار اجتماعی بر این مسائل کمتر شده است. ارتباط توسعه و طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی، به کمک نظریات جامعه شناسان کلاسیک، نظریات نوسازی، نظریه بوم شناختی مکتب شیکاگو، نظریه انتقال جمعیتی و نظریه های تحول خانواده برقرار شده است.

تأکید نظریه نوسازی بر گذار از جامعه سنتی به مدرن است. در جوامع سنتی به قول دورکیم همبستگی مکانیک وجود دارد و تخطی از اصول اخلاقی و واکنشی سخت و بی رحمانه ای از جانب وجدان جمعی به دنبال دارد (استونز، ۱۳۸۳: ۷۹). روابط در این جوامع چهره به چهره و صمیمی است (روکس بروف، ۱۳۷۰: ۳۲).

الگوی خانواده سنتی، خانواده گسترده است که کارکردهای تربیتی، آموزشی، اقتصادی و دینی به عهده نهاد خانواده است و در این جامعه به ازدواج از دید اقتصادی نگرسته می شود و دلایل ازدواج عبارتست از کسب قدرت، ادغام کسب و کار و بهبود پایگاه اجتماعی و اتحاد نظامی. عشق و احساسات در انتخاب همسر وجود ندارد و طلاق ممنوع و عموماً در اختیار اقشار مرفه جامعه است (جانسنز، ۱۹۹۳: ۱). اما با گذار از جامعه سنتی به مدرن، روابط

## Archive of SID

به روابط رسمی و بر اساس منافع اقتصادی تبدیل می شود. شخصی شدن و تقسیم کار در جامعه روی می دهد، وابستگی متقابل بر اساس منافع به وجود می آید. همبستگی مکانیکی که بر پایه مشابهت و وجدان جمعی قدرتمند بنا شده به طور فزاینده ای جای خود را به تقسیم کاری می دهد که محصول همبستگی ارگانیکی است (استونز، ۱۳۸۳: ۸۰).

دگرگونی در خانواده همانند سایر نهادهای اجتماعی در اثر پیشرفت های تکنولوژی حاصل می شود. همانطور که نظریه های تکاملی از جمله نظریه مورگان عامل تکنولوژی را در دگرگونی در خانواده موثر می دانند (اعزازی، ۱۳۸۵: ۱۴)، سایر نظریه های تکاملی هم به تحول نهاد خانواده در طول زمان و اینکه خانواده به شکل هسته ای درمی آید و کارکردهایش به نهاد های دیگر منتقل می شود، اشاره دارند (همان، ۱۶). الگوهای خانواده مدرن، هسته ای است. کارکردهای آموزشی، تربیتی و دینی خانواده ها به نهاد های بیرون منتقل می شود و ازدواج ها بر اساس عشق و احساس شکل می گیرد (نولان و لئسکی، ۱۳۸۳: ۴۵۵).

از نیمه دوم قرن ۲۰، جلوه های زندگی مدرن پررنگ تر می شود و مواردی چون طرح های حمایتی از زنان بیوه، افزایش اشتغال زنان، افزایش تحصیلات زنان، گسترش شهرنشینی، تقدس زدایی از خانواده، از بین رفتن قبح طلاق، تضعیف موانع روانی، فرهنگی طلاق، افزایش انتظارات از ازدواج، تأسیس جنبش های حمایت از حقوق زنان از دهه ۱۹۶۰ به بعد، قانونی شدن طلاق در دهه ۱۹۷۰ و غیره باعث افزایش طلاق شده است.

تأکید مکتب شیکاگو (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۳) بر جنبه های منفی توسعه و شهرنشینی است. زمانی که شهرها توسعه پیدا می کنند، یکسری از مسائل اجتماعی را با خود می آورند از جمله حاشیه نشینی، بیکاری، فحشاء و بزهکاری و غیره. افزایش طلاق هم به عنوان یک مسئله اجتماعی، در نتیجه همین مسائل ناخواسته از توسعه بی رویه شهرها به وجود آمده است.

در نظریه انتقال جمعیتی (تودارو، ۱۳۶۶: ۲۰۲-۲۰۱) هم این تحولات به گونه ای متأثر از نوسازی و صنعتی شدن است. چرا که با پیشرفت های علمی و پزشکی و بهبود شرایط و امکانات زندگی، کشورها وارد مرحله سوم انتقال جمعیتی می شوند و همزمان با آن افزایش امید به زندگی و کاهش باروری و افزایش تحصیلات و مشارکت زنان زمینه را برای افزایش طلاق فراهم کرده است.

## روش تحقیق

روش تحقیق، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده های سرشماری مرکز آمار ایران و سالنامه آماری ثبت احوال و اطلاعات وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۵ بوده است. اطلاعاتی که از سرشماری مورد استفاده قرار گرفته، مربوط به بخش های: جمعیت و خانوار، تسهیلات مسکن، سواد و آموزش و وضع فعالیت بوده است. به کمک این داده ها شاخصهای: درصد اشتغال مردان، نسبت بستگی (بار تکفل)، درصد فارغ التحصیلان عالی مردان (فوق دیپلم و بالاتر)، درصد خانوارهای دارای آب لوله کشی، درصد خانوارهای دارای گاز لوله کشی، درصد خانوارهای دارای برق و درصد خانوارهای دارای تلفن ثابت برای ساخت متغیر مستقل (توسعه) استفاده شده است. علاوه بر این به کمک این داده ها متغیرهای مستقل دیگری چون: درصد تحصیلات عالی زنان، بعد خانوار، میزان اشتغال زنان و میزان باروری کل محاسبه شده است. از سالنامه آماری ثبت احوال نیز که در مورد وقایع چهارگانه حیاتی (وفات، مرگ و میر، طلاق، ازدواج) بوده، متغیر وابسته یعنی نسبت طلاق به ازدواج و متغیر مستقل پیشرسی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ سال ساخته شده است. از داده های وزارت بهداشت نیز، یکی دیگر از شاخص های توسعه یعنی تخت بیمارستانی به جمعیت ساخته شده است.

## روش تحلیل

برای تحلیل داده ها ابتدا با استفاده از نرم افزار تاکسونومی عددی<sup>۱</sup> (Taxonomy) شاخص توسعه ساخته شده است و سپس برای تحلیل رابطه این متغیرها با طلاق از نرم افزار Spss استفاده شده است.

## واحد تحلیل

واحد تحلیل شهرستان می باشد. شهرستان واحدی از تقسیمات کشوری است، که دارای فرمانداری است.

## جامعه آماری و حجم نمونه

کل شهرستان های کشور در سال ۱۳۸۵، ۳۳۱ شهرستان بوده که از این تعداد ۱۰۱ شهرستان

۱- برای آشنایی با این روش به منبع زیر مراجعه کنید:

سرور، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

## فرضیات

- ۱- بین توسعه اقتصادی، اجتماعی و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۲- بین بعد خانوار و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۳- بین میزان پیشروی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۴- بین میزان باروری کل و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۵- بین تحصیلات عالی زنان و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۶- بین میزان اشتغال زنان و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۷- بین قومیت و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.

## تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

### ۱- طلاق

طلاق به زبان ساده مکانیسمی است قراردادی و در اکثر جوامع پذیرفته شده، این مکانیسم اجتماعی به زن یا مرد و در صورت توافق به هر دو امکان می دهد تا تحت شرایطی و طی مراحل پیوند زناشویی خویش را گسسته و زندگی جدیدی را تجربه کنند (پیران ۱۳۶۹)، به نقل از گلشن، ۱۳۷۲: ۶۱).

طلاق عبارتست از «شکستن واحد خانواده و تجزیه نقش های اجتماعی به علت آنکه یک یا تنی چند از اعضای خانواده بطور ارادی و یا غیرارادی تکالیف ناشی از نقش های خود را آنطوریکه باید و شاید است انجام ندهند» (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۸).

طلاق عبارتست از «انحلال قانونی پیوندهای زناشویی که با تصمیم یکجانبه یکی از زوجین و یا مراجعه به مراجع شرعی و قانونی صورت می گیرد.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۰۳۲۰۴)  
در این تحقیق شاخص طلاق از نسبت طلاق به ازدواج ساخته شده است یعنی تعداد طلاق ها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج.

## ۲- توسعه اجتماعی

تعاریف متعددی برای توسعه اجتماعی وجود دارد که به دو تعریف بسنده می شود: «توسعه اجتماعی با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می باشد.» (از کیا، ۱۳۸۰: ۱۹).

«توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت زندگی انسان هاست.» (رفیعی، ۱۳۸۰: ۷۲).

## ۳- توسعه اقتصادی

به طور خلاصه «توسعه اقتصادی عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه، که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است و دستیابی به غایات مطلوب نوسازی اقتصادی فراهم می آید.» (ورجاوند، ۱۳۶۸: ۸۴).

## ۴- شاخص های توسعه اجتماعی، اقتصادی

• درصد اشتغال مردان:

جمعیت شاغل مردان بر جمعیت فعال مردان ضرب در ۱۰۰

• نسبت بستگی (بار تکفل):

مجموع جمعیت زیر ۱۵ سال به اضافه بالای ۶۵ سال تقسیم بر جمعیت (۶۴-۱۵) سال

$$D.R = \frac{\sum_{15}^{14} P + \sum_{65}^{\omega} P}{\sum_{15}^{64} P}$$

• میزان فعالیت عمومی کل جمعیت:

جمعیت فعال تقسیم بر جمعیت ۱۰ سال و بالاتر ضرب در ۱۰۰

• درصد شهرنشینی:

جمعیت ساکن در نقاط شهری به کل جمعیت شهرستان ضرب در ۱۰۰

- درصد باسوادی کل:
- کل جمعیت باسواد به جمعیت ۶ ساله به بالای کشور ضرب در ۱۰۰
- درصد فارغ التحصیلان عالی مردان ( فوق دیپلم و بالاتر):
- جمعیت فوق دیپلم مردان و بالاتر بر جمعیت ۶ ساله به بالای مردان ضرب در ۱۰۰
- درصد خانوار های دارای آب لوله کشی:
- تعداد واحدهای مسکونی دارای آب لوله کشی بر مجموع کل واحدهای مسکونی ضرب در ۱۰۰
- درصد خانوار های دارای گاز لوله کشی:
- تعداد واحدهای مسکونی دارای گاز لوله کشی بر مجموع کل واحدهای مسکونی ضرب در ۱۰۰
- درصد خانوار های دارای برق:
- تعداد واحدهای مسکونی دارای برق بر مجموع کل واحدهای مسکونی ضرب در ۱۰۰
- درصد خانوار های دارای تلفن ثابت:
- تعداد واحدهای مسکونی دارای تلفن ثابت بر مجموع کل واحدهای مسکونی ضرب در ۱۰۰
- نسبت تخت بیمارستانی به کل جمعیت:
- تعداد تخت های بیمارستانی به کل جمعیت ضرب در ۱۰۰

## ۵- تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل

- میزان اشتغال زنان
- جمعیت شاغل بر جمعیت فعال زن ضرب در ۱۰۰
- درصد تحصیلات عالی زنان
- جمعیت فوق دیپلم و بالاتر زن بر جمعیت ۶ ساله به بالای زن ضرب در ۱۰۰
- پیشرسی ازدواج زنان
- تعداد ازدواج های زنان در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله به کل جمعیت زنان ۱۹-۱۵ ساله
- بعد خانوار
- تعداد کل خانوار ها بر جمعیت خانوارهای ساکن ضرب در ۱۰۰
- میزان باروری کل
- عبارتست از تعداد فرزندان که یک زن به طور متوسط در سالهای زناشویی خود (از سن



قانونی ازدواج تا یائسگی) بدنیا می آورد که از طریق نسبت کودک به زن (یعنی مجموع کودکان ۰-۴ ساله تقسیم بر مجموع زنان ۱۵-۴۹ ساله) محاسبه شده است.

#### • قومیت

از آنجایی که این متغیر در سرشماری ها گنجانده نشده برای استفاده از این متغیر ملاک، اکثریت جمعیت (یک قوم خاص) شهرستان بوده است.

### یافته های تحقیق

#### ۱- رده بندی شهرستان ها از نظر سطح توسعه

در جدول (۱) نتایج نمره تکسونومی به شهرستان ها آمده است. دامنه نمرات از ۰/۹۸۱ - ۰/۲۴۳ بوده است. این نمرات در نرم افزار SPSS به پنج دسته تقسیم شده است.

• عالی: دامنه دسته اول از ۰/۳۹۰ - ۰/۲۴۳ بوده است که بر اساس این نمره، ۱۵ شهرستان اول کشور که سطح توسعه شان عالی به حساب می آید به ترتیب عبارتند از: تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، کرج، یزد، سمنان، اراک، رشت، قزوین، ساری، همدان، قم، اهواز

• خوب: دامنه دسته دوم از ۰/۵۳۸ - ۰/۳۹۱ بوده است که سطح توسعه شان خوب به حساب می آید. تعداد این دسته از شهرستان ها ۲۵ بوده که عبارتند از: ساوه، کاشان، بابل، ...، زنجان.

• متوسط: دامنه دسته سوم از ۰/۶۸۶ - ۰/۵۳۹ بوده است که سطح توسعه شان متوسط به حساب می آید. تعداد این دسته از شهرستان ها ۴۷ بوده که عبارتند از: خمینی شهر، بوشهر، بندرانزلی، ...، بنگر.

• پایین: دامنه دسته چهارم از ۰/۸۳۴ - ۰/۶۸۷ بوده است که سطح توسعه شان پایین به حساب می آید. تعداد این شهرستان ها ۹۲ بوده که عبارتند از: دلیرجان، ابهر، برخوار و میمه، ...، فومن.

• خیلی پایین: دامنه دسته پنجم از ۰/۹۸۱ - ۰/۸۳۵ بوده است که سطح توسعه شان خیلی پایین به حساب می آید. تعداد این شهرستان ها ۵۱ بوده که عبارتند از: بستک، پلدختر، سرخس، ...، قلعه گنج.

شهرستانها(به ترتیب)	سطح توسعه	نمره توسعه
تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، کرج، یزد، سمنان، اراک، رشت، قزوین، ساری، همدان، قم، اهواز	عالی	۰/۳۹۰ - ۰/۲۴۳
ساوه، کاشان، بابل، قائم شهر، آمل، دامغان، گرمسار، اردبیل، رفسنجان، شاهرود، نجف آباد، سبزوار، لاهیجان، گرگان، گنبد کاووس، لارستان، کرمان، بابلسر، آبادان، کرمانشاه، بهبهان، بهشهر، ملایر، ارومیه، زنجان	خوب	۰/۵۳۸ - ۰/۳۹۱
خمینی شهر، بوشهر، بندرانزلی، مهریز، اسفراین، بیرجند، بجنورد، شهرکرد، خرم آباد، تربت حیدریه، تاکستان، تنکابن، مرودشت، شمیرانات، ورامین، شهریار، بندرعباس، سمنان، آمل، چالوس، اردکان، اردستان، کازرون، کاشمر، بروجرد، بناب، استهبان، خوانسار، نیشابور، نوشهر، مرند، خمین، لنجان، ماهشهر، میبد، آستارا، خوی، خلخال، مشکین شهر، ارسنجان، مسجد سلیمان، مراغه، نهاوند، مبارکه، ناین، نطنز، بندرگز	متوسط	۰/۶۸۶ - ۰/۵۳۹
دلیجان، ابهر، برخور و میمه، آران و بیدگل، سمیرم سفلی، اسلام شهر، ساوجبلاغ، جویبار، شازند، رامشیر، شهریارک، نظرآباد، بویراحمد، گچساران، لامرد، زاهدان، خرم بید، قوچان، طیس، صومعه سرا، آستانه اشرفیه، تالش، اندیمشک، ری، رودسر، بهار، فارس، فسا، جهرم، بیجار، تربت جام، گناباد، صحنه، اسلام آباد، کنگاور، رباط کریم، فیروزکوه، مهاباد، یوکان، میاندوآب، فروه، ایلام، دماوند، کهنوج، ماکو، سیرجان، اسکو، ملکان، سنقر، لنگرود، هرسین، نیریز، نکا، کهگیلویه، فریدن، مریوان، تفرش، میناب، گلوگاه، تویسرکان، فلاورجان، دشتستان، امیدیه، قشم، فریمان، درود، کنگان، کلاله، پاکدشت، علی آباد، تایباد، رودبار، ترکمن، کبودرآهنگ، زنند، شبستر، ماسال، رزن، سوادکوه، نمین، الیگودرز، فیروزآباد، داراب، اردل، محمودآباد، نقده، نور، آق قلا، خمیر، مهر، املش، فومن	پایین	۰/۸۳۴ - ۰/۶۸۷
بستک، پلدختر، سرخس، سپیدان، زرین دشت، لرگان، دشتی، سلماس، بندرلنگه، سرپل ذهاب، ایذه، برداسکن، بردسیر، روار، ممسنی، بانه، میانه، خداآباده، گرمی، بیله سوار، زابل، رودان، نهبندان، دشت آزاد، پیرانشهر، کامیاران، هریس، آزاد شهر، روانسر، پاوه، کوهدشت، کوثر، درمیان، کلات، شاهین دژ، تکاب، شفت، کلپیر، بستان آباد، اهر، قانات، شادگان، ایرانشهر، جابهار، دیواندره، اشنویه، خاش، سراوان، نیک شهر، سرایان، قلعه گنج	خیلی پایین	۰/۸۳۵ - ۰/۹۸۱

۱- این داده ها از دو منبع زیر تهیه شده است:

- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵
- وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۱۳۸۵



## ۲- رده بندی شهرستان ها از نظر طلاق

در جدول (۲) براساس نمرات حاصل از درصد طلاق به ازدواج در نرم افزار Spss وضعیت طلاق در شهرستان ها به پنج دسته تقسیم شده است.

• خیلی بالا: دامنه دسته اول از ۲۴/۰۸ - ۱۹/۲۲ بوده، که این دسته از شهرستان ها طلاق شان خیلی بالا به حساب می آید و تعدادشان ۱۱ است که عبارتند از: تهران، کرج، شمیرانات، آبادان، اسلام شهر، ری، سنندج، کرمانشاه، سقز، اصفهان، بندر انزلی.

• بالا: دامنه دسته دوم از ۱۹/۳۱ - ۱۴/۵۱ بوده که این دسته از شهرستان ها طلاق شان بالا به حساب می آید و تعدادشان ۲۶ است و عبارتند از: زرین دشت، روانسر، کرمان، ...، تاکستان.

• متوسط: دامنه دسته سوم از ۱۴/۵۰ - ۹/۷۰ بوده که این دسته از شهرستان ها طلاق شان متوسط به حساب می آید و تعدادشان ۸۱ است و عبارتند از: آستانه اشرفیه، اراک، ورامین، ...، بوکان.

• پایین: دامنه دسته چهارم از ۹/۶۹ - ۴/۸۹ بوده که این دسته از شهرستان ها طلاق شان پایین به حساب می آید و تعدادشان ۶۸ است و عبارتند از: علی آباد، بهبهان، فریدن، ...، قشم.

• خیلی پایین: دامنه دسته پنجم از ۴/۸۸ - ۰/۰۸ بوده که این دسته از شهرستان ها طلاق شان خیلی پایین به حساب می آید و تعدادشان ۴۴ است و عبارتند از: خاش، فارس، گرمی، ...، رودان.

شهرستانها(به ترتیب)	سطح طلاق	نمره طلاق
تهران، کرج، شمیرانات، آبدان، اسلام شهر، ری، سنندج، کرمانشاه، سقز، اصفهان، بندرانزلی	خیلی بالا	۱۹/۲۲ - ۲۴/۰۸
زرین دشت، روانسر، کرمان، آباد، بوشهر، پاکدشت، کنگاور، اسلام آبادغرب، دلیجان، نظرآباد، مشهد، نوشهر، تنکابن، لاهیجان، کامیاران، اندیمشک، بندرعباس، بجنورد، پاره، نهاوند، شیراز، بندرگز، دشتستان، قم، قوچان، تاکستان	بالا	۱۴/۵۱ - ۱۹/۳۱
آستانه اشرفیه، اراک، ورامین، آستارا، سیرجان، تربت حیدریه، بستک، لامرد، ارومیه، همدان، خرم آباد، صحنه، مریوان، تبریز، قلعه گنج، رشت، لنجان، برداسکن، تویسرکان، دماوند، نیشابور، بهار، فسا، آمل، خمین، ساوه، الیگودرز، کیودرآهنگ، قائم شهر، رودبار، ماهشهر، گرمسار، بانه، رودسر، مهاباد، نایین، بابل، اهواز، خمیر، اسفراین، ابهر، برخوار و میمه، مرودشت، گرگان، تفرش، میاندوآب، هرسین، کاشان، بروجرد، ساوجبلاغ، گچساران، قزوین، بایلسر، رامشیر، فومن، ساری، مراغه، نجف آباد، کنگان، امیدیه، زنجان، بهشهر، مشکین شهر، شاهرود، سرایان، گنبدکاووس، چالوس، تالش، قروه، نمین، اسکو، ملایر، تکاب، مهر، خوانسار، شاهین دژ، اردبیل، اشنویه، فیروزآباد، بستان آباد، بوکان	متوسط	۹/۷۰ - ۱۴/۵۰
علی آباد، بهبهان، فریدن، داراب، زرنده، کاشمر، درود، استهبان، پلدختر، نقده، دامغان، میناب، هریس، پیرانشهر، شازند، زاهدان، سمیرم سفلی، املش، میانه، سبزواری، شهریارک، خدابنده، نکا، یزد، کازرون، تربت جام، کلات، فریمان، سپیدان، جویبار، گلوگاه، جهرم، رفسنجان، تایباد، نور، خلخال، ایلام، نطنز، بویراحمد، شهرکرد، شفت، اهر، بیرجند، سراوان، مرنده، کهنوج، بناب، گناباد، شبستر، شهریار، سمنان، رباط کریم، خوی، قائنات، ایذه، کوهدشت، سلماس، ملکان، کهکلیویه، ماکو، لارستان، دشت آزاد، ماسال، دیواندره، فیروزکوه، لرگان، صومعه سرا، قشم	پایین	۴/۸۹ - ۹/۶۹
خاش، فارس، گرمی، فلاورجان، کلبیر، بیله سوار، اردکان، لنگرود، محمودآباد، بیجار، نیریز، سوادکوه، ایرانشهر، مهریز، کوثر، طیس، دشتی، چابهار، بردسیر، مبارکه، ممسنی، آزادشهر، مسجدسلیمان، آران و بیدگل، شادگان، اردل، ترکمن، نهبندان، اردستان، زابل، ارسنجان، خرم بید، درمیان، میبد، آق قلا، کلاله، رزن، روار، سرخس، خمینی شهر، سرپل ذهاب، نیک شهر، بندرلنگه، رودان	خیلی پایین	۰/۰۸ - ۴/۸۸

### ۳- آزمون ضریب همبستگی

• فرضیه اول بین توسعه و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی استفاده گردید همانطور که در جدول

(۳)، ملاحظه می گردد و با توجه به مقدار ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $P < 0/01$ )

و ( $R = 0/421$ )، رابطه معنی داری و مستقیمی بین توسعه و طلاق وجود دارد. پس می توان

۱- این داده ها از منبع زیر تهیه شده است:

• سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۵)، سالنامه آماری، رویداد های حیاتی ثبت شده، تهران



با توجه به جهت ضریب همبستگی ادعا نمود که با افزایش میزان توسعه یافتگی طلاق نیز افزایش پیدا می کند.

• فرضیه دوم بین بعد خانوار و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی استفاده گردید. همانطور که در جدول (۳)، ملاحظه می گردد و با توجه به مقدار ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $P < 0/01$  و  $R = -0/230$ )، رابطه معنی دار و معکوسی بین بعد خانوار و طلاق وجود دارد. پس می توان با توجه به جهت ضریب همبستگی ادعا نمود که با افزایش بعد خانوار طلاق کاهش پیدا می کند.

• فرضیه سوم بین پیشروی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی در جدول (۳)، حاکی از آنست که با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $P > 0/05$  و  $R = -0/084$ )، رابطه ی معنی داری بین پیشروی ازدواج و طلاق وجود ندارد.

• فرضیه چهارم بین باروری و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی در جدول (۳) حاکی از آنست که با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $P < 0/01$  و  $R = -0/304$ )، رابطه ی معنی دار و معکوسی بین باروری و طلاق وجود دارد و با توجه به جهت ضریب همبستگی می توان ادعا نمود که که با افزایش باروری طلاق کاهش پیدا می کند.

• فرضیه پنجم بین تحصیلات عالی زنان و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی در جدول (۳) حاکی از آنست که با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $P < 0/01$  و  $R = 0/330$ )، رابطه ی معنی داری بین تحصیلات عالی زنان و طلاق وجود دارد و جهت همبستگی نشان می دهد که با افزایش سطح تحصیلات زنان طلاق نیز افزایش پیدا می کند.

• فرضیه ششم بین اشتغال زنان و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی در جدول (۳) حاکی از آنست که با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی داری ( $P < 0/01$  و  $R = 0/187$ )، رابطه ی معنی داری بین اشتغال زنان و طلاق وجود دارد و جهت همبستگی نشان می دهد که با افزایش اشتغال زنان طلاق نیز افزایش پیدا می کند.

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
توسعه	۰/۴۲۱	۰/۰۰۰
بعد خانوار	-۰/۲۳۰	۰/۰۰۰
پیشروی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله	-۰/۰۸۴	۰/۲۰۵
باروری	-۰/۳۰۴	۰/۰۰۰
تحصیلات عالی زنان	۰/۳۳۰	۰/۰۰۰
اشتغال زنان	۰/۱۸۷	۰/۰۰۴

• فرضیه هفتم بین قومیت و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد.

برای شناخت رابطه بین طلاق (به عنوان متغیر وابسته) با قومیت (به عنوان متغیر مستقل اسمی چند وجهی) از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) نیز استفاده شده است. خلاصه یافته های آزمون در جدول (۴)، آورده شده است. مطابق با جدول، میانگین طلاق قومیت های مختلف بدین سان بوده فارس ها ۹/۸۷، ترک ها ۸/۹۵، کرد ها ۱۲/۴۵، لر ها ۹/۷۷ و سایر اقوام ۶/۵۳ بوده است که بیشترین میانگین برای کرد ها بوده است. این تفاوت از لحاظ آماری در سطح ( $P < ۰/۰۵$ ) معنی دار بوده است.

جدول (۴): میانگین نسبت طلاق به ازدواج به تفکیک قومیت

قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
فارس	۱۳۰	۹/۸۷	۵/۴۱	۳/۲۸	۰/۰۱۲
ترک	۳۳	۸/۹۵	۳/۱۶		
کرد	۲۵	۱۲/۴۵	۵/۳۰		
لر	۲۱	۹/۷۷	۴/۳۰		
سایر	۲۱	۶/۵۳	۵/۹۰		
جمع کل	۲۳۰	۹/۸۲	۵/۱۷		

برای شناخت رابطه بین طلاق (به عنوان متغیر وابسته) با سطح توسعه (به عنوان متغیر مستقل ترتیبی چند وجهی) از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده است. خلاصه یافته های آزمون در جدول (۵) آورده شده است. مطابق با جدول، میانگین طلاق در سطوح مختلف بدین سان بوده: عالی ۱۴/۵۸، خوب ۱۲/۱۷، متوسط ۱۰/۸۲، پایین ۹/۵۹، خیلی پایین ۶/۷۵ بوده است. که بیشترین میانگین برای عالی و کمترین میانگین برای خیلی پایین بوده



است. این تفاوت از لحاظ آماری در سطح  $(P < 0/01)$  معنی دار بوده است و حاکی از آن است که اختلاف معنی داری بین سطوح مختلف توسعه وجود دارد و این تفاوت ها تصادفی نبوده است.

جدول (۵): میانگین نسبت طلاق به ازدواج به تفکیک سطوح توسعه

سطح معنی داری	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	سطح توسعه
0/000	11/04	4/99	14/58	15	عالی
		3/85	12/17	25	خوب
		5/44	10/82	47	متوسط
		4/58	9/59	92	پایین
		4/79	6/75	51	خیلی پایین
		5/17	9/82	230	جمع کل

#### ۴- رگرسیون چند متغیره

##### ۴-۱ رابطه بین طلاق و متغیرهای مستقل

به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل (توسعه، قومیت (فارس، ترک، کرد، لر و سایر)، بعد خانوار، باروری، پیش‌رسی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله، اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان) بر طلاق، متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون خطی به روش گام به گام وارد شده‌اند. جدول (۶)، مدل‌های ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه رگرسیون چند متغیری را نشان می‌دهد.

با توجه به ضرایب F، از مجموع ۷ متغیر مستقل وارد شده در معادله، فقط ۳ تا متغیر؛ توسعه، قومیت (کرد) و باروری رابطه معنی داری  $(P < 0/01)$  را با متغیر وابسته نشان دادند. ضریب همبستگی چندگانه (۰/۵۱۳) نشان از همبستگی بالا بین متغیرهای موجود در معادله نهایی رگرسیون می‌باشد.

ضریب تعیین اصلاح شده نشان می‌دهد که حدود ۲۵ درصد از تغییرات طلاق توسط سه متغیر ذکر شده در مدل سوم تبیین می‌شود. با توجه به بتاهای بدست آمده، متغیر توسعه قوی‌ترین رابطه را با طلاق دارد و به تنهایی ۱۷ درصد از تغییرات طلاق را تبیین می‌کند. بعد از آن متغیر قومیت (کرد) ۸ درصد و باروری ۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیرها
$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B	
-	۲۰/۸۲۴	-	۱۹/۲۴۵	-	۱۸/۶۰۰	مقدار ثابت
۰/۴۲۱	۱۲/۵۲۷	۰/۴۷۵	۱۴/۱۵۱	۰/۴۲۱	۱۲/۵۲	توسعه
۰/۲۵۹	۴/۲۹۹	۰/۲۷۳	۴/۵۳۱	-	-	قومیت (کرد)
-۰/۱۳۱	-۱/۴۱۹	-	-	-	-	باروری
۰/۵۱۳		۰/۴۹۹		۰/۴۲۱		ضریب همبستگی (R)
۰/۲۶۳		۰/۲۴۹		۰/۱۷۷		ضریب تعیین (R <sup>۲</sup> )
۰/۲۵۳		۰/۲۴۲		۰/۱۷۴		ضریب تعیین اصلاح شده
۲۶/۸۶۱		۳۷/۵۶۶		۴۹/۰۹۵		ضریب F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معنی داری F

با توجه به مقادیر B، معادله رگرسیون را می توان به شرح زیر نوشت:

$$۱/۴۱۹ - (قومیت کرد) ۴/۲۹۹ + (توسعه) ۱۲/۵۲۷ + ۲۰/۸۲۴ = \text{طلاق}$$

$$+ e_0 \text{ (باروری)}$$

#### ۲-۴ رابطه بین توسعه و متغیرهای مستقل

به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر توسعه، متغیرهای مستقل: قومیت (فارس، ترک، کرد، لر و سایر)، بعد خانوار، باروری، پیشرسی ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله، اشتغال زنان، تحصیلات عالی زنان در معادله رگرسیون خطی به روش گام به گام وارد شده اند. جدول (۷)، مدلها ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه رگرسیون چند متغیری را نشان می دهد.

با توجه به ضرایب F، از مجموع ۶ متغیر مستقل وارد شده در معادله، فقط ۲ تا متغیر؛ تحصیلات عالی زنان و اشتغال زنان رابطه معنی داری ( $P > 0.1$ ) را با متغیر وابسته نشان دادند.

ضریب همبستگی چندگانه (۰/۷۷۳) نشان از همبستگی بالا بین متغیرهای موجود در معادله نهایی رگرسیون می باشد.

ضریب تعیین اصلاح شده نشان می دهد که حدود ۶۰ درصد از تغییرات توسعه توسط دو متغیر ذکر شده در مدل دوم تبیین می شود. با توجه به بتاهای بدست آمده، متغیر تحصیلات عالی زنان قوی ترین رابطه را با توسعه دارد و به تنهایی ۵۱ درصد از تغییرات توسعه را تبیین

می کند. بعد از آن متغیر اشتغال زنان ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند.

جدول (۷): نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره مربوط به تأثیر متغیرهای مستقل بر توسعه

مدل ۲		مدل ۱		متغیرها
$\beta$	B	$\beta$	B	
-	-۰/۲۰۱	-	۵/۰۰۶	مقدار ثابت
۰/۵۷۲	۴/۰۰۷	۰/۷۱۴	۵/۰۰۸	تحصیلات عالی زنان
۰/۳۲۸	۳/۰۰۹	-	-	اشتغال زنان
۰/۷۷۳		۰/۷۱۴		ضریب همبستگی (R)
۰/۵۹۸		۰/۵۱۰		ضریب تعیین (R <sup>۲</sup> )
۰/۵۹۴		۰/۵۰۸		ضریب تعیین اصلاح شده
۱۶۸/۵۷۹		۲۳۷/۶۹۲		ضریب F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معنی داری F

با توجه به مقادیر B، معادله رگرسیون را می توان به شرح زیر نوشت:

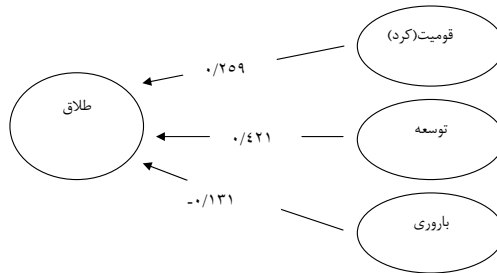
$$e + (اشتغال زنان) ۳/۰۰۹ + (تحصیلات عالی زنان) ۴/۰۰۷ - ۰/۲۰۱ = توسعه$$

### ۳-۴ تحلیل مسیر

برای تعیین ضرایب مسیر و محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم با استفاده از رگرسیون، ابتدا باید براساس نمودار ترسیمی، مسیرها را از هم تفکیک کرد. در پژوهش حاضر این تفکیک بر اساس مدل تحلیل که خود برآمده از چارچوب نظری تحقیق بوده، صورت گرفته است. دو مرحله برای تحلیل مسیر در نظر گرفته شده است. در مرحله اول طلاق، در مرحله دوم توسعه به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است. با توجه به نتایج جدول (۶) و جدول (۷) مرحله اول و دوم را ترسیم می کنیم و در مرحله نهایی با هم تلفیق می کنیم.

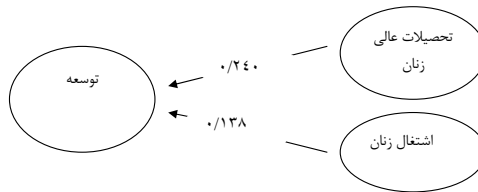
• مرحله اول

نمودار ۱: نمودار تفکیک شده مرحله اول تحلیل مسیر



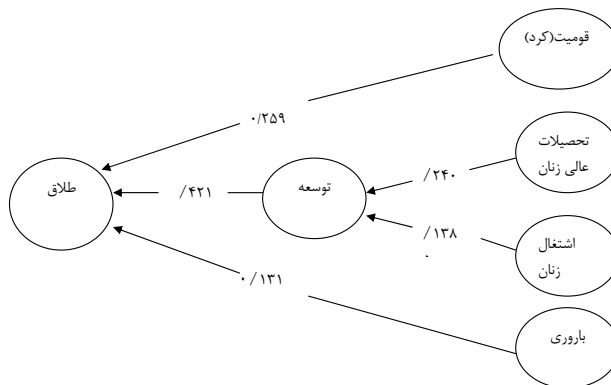
• مرحله دوم

نمودار ۲: نمودار تفکیک شده مرحله دوم تحلیل مسیر



• مرحله نهایی

نمودار ۳: نمودار نهایی تحلیل مسیر



اینک می توان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را محاسبه کرد. از مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم اثرات کلی متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته بدست می آید. نتایج در جدول (۸) آمده است.



اثرات کلی	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	متغیرهای مستقل
۰/۲۵۹	-	۰/۲۵۹	قومیت (کرد)
۰/۴۲۱	-	۰/۴۲۱	توسعه
-۰/۱۳۱	-	-۰/۱۳۱	باروری
۰/۲۴۰	۰/۲۴۰	-	تحصیلات عالی زنان
۰/۱۳۸	۰/۱۳۸	-	اشتغال زنان

مطابق با جدول (۸)، موثرترین متغیرها بر طلاق به ترتیب عبارتند از: توسعه، قومیت (کرد)، تحصیلات عالی زنان، اشتغال زنان و باروری. از میان این متغیرها سه متغیر: قومیت (کرد)، توسعه و باروری دارای اثر مستقیم بر طلاق و متغیرهای تحصیلات زنان و اشتغال زنان دارای اثر غیرمستقیم بر طلاق بوده اند. برای قومیت کرد، توسعه معنی دار نیست و بر اساس مطالعاتی که دیگران انجام داده اند، عوامل دیگری غیر از توسعه نقش داشته اند پاره ای از این عوامل عبارتند از: میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تفاوت سنی زوجین، تفاوت عقاید زوجین و تفاوت تحصیلی زوجین (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۴) اعتیاد همسر و بیکاری (احدی، ۱۳۸۵: ۹۵)، که البته به نظر می آید عوامل مهم دیگری غیر از این موارد نقش دارد که نیاز به مطالعه و بررسی کیفی دارد.

#### ۴-۴ نتیجه گیری

بخش مهمی از کار روی رده بندی شهرستان ها به لحاظ توسعه و طلاق انجام گرفت که بر اساس نمرات حاصل از تکسونومی، نمره توسعه یافتگی در نرم افزار Spss به پنج دسته تقسیم شده است. نمره طلاق (درصد طلاق به ازدواج) نیز در نرم افزار Spss به پنج دسته تقسیم شد که نتایج نشان می دهد که در رده اول یعنی شهرستان هایی که طلاق خیلی بالا دارند شهرستان های بزرگ و توسعه یافته ای چون: تهران، کرج، اصفهان، کرمانشاه و بندرانزلی قرار دارند. در کل شهرستان های بزرگ و مراکز استانی هم نمره توسعه یافتگی بالاتری دارند و هم درصد طلاق به ازدواج بیشتری دارند و شهرستان های کوچک (زیر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) و شهرستان هایی که در حاشیه و مناطق مرزی قرار دارند هم نمره توسعه پایین تر و هم درصد طلاق به ازدواج کمتری دارند. در ارتباط با آزمون فرضیات نیز نتایج

جدول (۹) نتایج آزمون فرضیات تحقیق

نتیجه	فرضیات
تأیید	بین توسعه و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد
تأیید	بین بعد خانوار و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد
رد	پیش‌رسی ازدواج زنان ۱۵-۱۹ ساله و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد
تأیید	بین باروری و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد
تأیید	بین تحصیلات زنان و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد
تأیید	بین اشتغال زنان و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد
تأیید	بین قومیت و طلاق رابطه معنی دار وجود دارد

برای بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر طلاق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده که نتایج حاکی از آن است که متغیرهای توسعه، قومیت (کرد) و باروری بیشترین سهم را در تبیین تغییرات طلاق دارند. همچنین برای سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر توسعه از رگرسیون چند متغیره استفاده شده که نتایج بیانگر آنست که حدود ۶۰ درصد از تغییرات توسعه توسط دو تا متغیر: تحصیلات زنان و اشتغال زنان تبیین می شود. که نشانگر همبستگی قوی بین تحصیلات زنان و اشتغال زنان با توسعه یافتگی است. یعنی عموماً شهرستان‌های توسعه یافته، از نظر تحصیلات و اشتغال زنان نیز در سطح بالایی قرار دارند.

در ایران توسعه عامل اصلی افزایش طلاق است. برای قومیت کرد، توسعه معنی دار نیست و بر اساس مطالعاتی که دیگران انجام داده اند، عوامل دیگری غیر از توسعه نقش داشته اند که نیاز به مطالعه و بررسی کیفی دارد.

باروری نیز اثر معکوسی بر طلاق دارد، در شهرستان‌هایی که باروری بالای دارند موقعیت زنان پایین تر، قدرت تصمیم‌گیری زنان کمتر و خانواده از انسجام بیشتری برخوردار است و در نتیجه طلاق پایین تری دارند. تحصیلات و اشتغال زنان نیز از شاخص‌های مهمی هستند که ارتقای آن باعث افزایش استقلال و تصمیم‌گیری زنان در زندگی زنانشویی و افزایش نرخ طلاق می شود.

ایران کشوری در حال توسعه است و شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی اش در حال بهبود است. همانطور که نظریه پردازان مکتب شیکاگو هم به آن اشاره کرده اند؛ روند شهرنشینی و توسعه بی رویه شهرها، به بسیاری از مسائل اجتماعی دامن زده است،

شهرنشینی یک شرط لازم برای نوسازی است و سبک زندگی شهری مقتضیات خاصی دارد در شهر نظارت و کنترل اجتماعی کمتر است و طلاق قبح کمتری دارد. از طرفی رسانه های جمعی و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی به ارتقاء طرز فکر و آگاهی های مردم کمک زیادی می کنند. همزمان با این تغییرات، تحصیلات و مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی روز به روز بیشتر می شود و از نظر مادی مستقل تر می شوند و از طرف دیگر کشور، در حال گذار از مراحل انتقال جمعیتی است، باروری و مرگ و میر پایین آمده، سن ازدواج بالا رفته و سطح توقعات و انتظارات از زندگی زناشویی بالا رفته، آزادی در انتخاب همسر بیشتر شده و نهاد خانواده در ایران به ناچار از این تحولات تأثیر می پذیرد و طبیعتاً افزایش نسبت طلاق به ازدواج و میزان خام طلاق در کشور امری اجتناب ناپذیر است. این مسئله در کشور هم روی باروری و هم روی بافت خانواده تأثیر می گذارد. کشور ما در آینده بیشتر شاهد خانواده های تک سرپرست و پدیده هایی چون: ناپدری، نامادری و خواهر و برادر ناتنی خواهد بود. به نظر می رسد نیاز به برنامه ریزی و مشاوره قبل از ازدواج در آینده بیشتر احساس می شود تا از عواقب روانی و اجتماعی مسئله تا حدی کاسته شود.

مطالعه روی مسئله طلاق به رویکرد جامع و بین رشته ای نیاز دارد، توسعه تنها یک بعد از مسئله را نشان می دهد و برای مطالعه سایر ابعاد و عوامل، بایستی ارزشها و هنجارهای مذهبی و فرهنگی را مطالعه نمود که این نیاز به مطالعات ژرفانگر و کیفی دارد. چرا که با داده های ثانویه نمی توان مسائل و هنجارهای فرهنگی مذهبی را بررسی نمود.

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۸۳)؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- احدی، مهناز (۱۳۸۵)؛ بررسی علل طلاق در بین دختران تحت پوشش کمیته امداد امام در شهر سنندج، تهران، دانشگاه پیام نور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد
- ۳- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)؛ جامعه‌شناسی توسعه، موسسه نشر کلمه، تهران
- ۴- استونز، راب (۱۳۸۳)؛ متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، انتشارات مرکز، چاپ سوم.
- ۵- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)؛ جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ چهارم.
- ۶- تودارو، مایکل (۱۳۶۶)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۷- حسینی، سید حسن (۱۳۸۶)؛ جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، تهران، نشر سلمان، چاپ اول.
- ۸- رفیعی، حسن (۱۳۸۰)؛ بررسی تطبیقی دیدگاه‌های توسعه و رفاه اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- روکس بروف، ایان (۱۳۷۰)؛ جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه مصطفی ازکیا تهران، نشر توسعه
- ۱۰- ریاحی و دیگران (۱۳۸۶)؛ تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی کرمانشاه)، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵ شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹
- ۱۱- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- ۱۲- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)؛ پژوهشی در شناخت واقعیات و عوامل طلاق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۵)؛ سالنامه آماری، رویدادهای حیاتی ثبت شده، تهران
- ۱۴- سرور (۱۳۸۴)؛ جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۵- سگالن، مارتین (۱۳۷۰)؛ جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، چاپ سعدی.
- ۱۶- عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری (۱۳۸۴)؛ تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۴ صص ۷۵-۲۵
- ۱۷- گلشن، صیاد (۱۳۷۲)؛ بررسی طلاق و عوامل اجتماعی جمعیتی موثر بر آن در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۶۴ در شهرستان خوی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی.
- ۱۸- گود، ویلیام (۱۳۵۲)؛ خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۹- لنسکی، گرهارد و پاتریک نولان (۱۳۸۳)؛ جامعه‌های انسانی: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان،

۲۰- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، <http://www.sci.org>

۲۱- ورجاوند، پرویز (۱۳۶۸)؛ پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، شرکت سهامی انتشار، تهران

۲۲- وزات بهداشت درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۵)، آمار خدمات بهداشتی درمانی کشور

<http://www.behdasht.gov.ir>

23- Abbassi-Shavazi, M. J. and Mc Donald, P. (2007). Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State, International Family Change, New York. Pp:177-199..

24- Cuno, M. K.(2008). Divorce and The Fate of the Family in Modern Century Egypt, Family in the Middle East International Change in Egypt, Iran and Tunisia. Routledge, London. Pp: 197-213.

25- Janssens, A. (1993). Family and Social change(the Household as Ap-  
rocess in Industrializing Community, Cambridge University Press.

26- Kuznel,R. (1974). The Connection Between the Family Cycle and Di-  
vorce Rate: An Analysis based on European Data, Journal of Marriage and the  
Family, 36: 379-388

27- Lyngstad, T. H. (2006). Does Community Context Have Important Bear-  
ing on the Divorce Rate? A Fixed-Effect Study of Twenty Norwegian First-  
Marriage Cohort, Vienna Institute of Demography Austrian Academy of Sci-  
encesWebsite: [www.oeaw.ac.at/vid](http://www.oeaw.ac.at/vid).

28- Mukai, M. (2004). Modenization and Divorce in Japan, Japan, Marshall  
University, Thesis submitted to for the degree of Master of Arts in Sociology.  
<http://ezproxy.marshall.edu:2048/login>.

29- Trent, K. and J. S. Scott. (1989). Structural Determinants of the Divorce  
Rate: A Cross- Societal Analysis, Journal of Marriage and Family 51(May  
1989): 391-404.